

بررسی و تطبیق صفات نادان شهرهای فارابی با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)

مهدی حمزه نژاد

استادیار گروه معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

hamzenejad@iust.ac.ir

وحیده فکری

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، ایران، مشهد.

raha_f41@yahoo.com

چکیده

حکیم ابونصر فارابی، در دو اثر بسیار مهم و ارزشمند خویش، سیاست‌المدنیة و آراء اهل‌المدینة فاضله به ویژگی‌هایی در شهرها و ساکنان شهرها اشاره کرده است. وی برای نخستین بار در تاریخ فلسفه اسلامی، از شهری‌آرمانی و از خصایص اجتماع مدنی سخن به میان می‌آورد. این پژوهش به دنبال ارتباطی است میان نادان شهرهای فارابی و نادان محله‌های امروز، که آیا می‌توان این دو را با هم تطبیق داد یا خیر؟ اگر می‌شود، نمود کالبدی و شخصیتی صفات نادان شهرها و مردم آن چگونه است؟ همچنین می‌توان از خلال آنها و تحقیق و تفحص در متن موضوعات آن، و با بررسی و تطبیق نشانه‌ها با شهرهای معاصر، نقدی بر امروز داشت. لذا هدف این تحقیق شناسایی دقیق ویژگی‌های کالبدی نادان شهرها بر اساس جست‌وجوی متنی و تطبیق آن با شهرهای معاصر جهت نقد وضع موجود نیز می‌باشد. در این پژوهش که در آن از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای)، تحلیل محتوای متن، روش دلفی و پرسشنامه از دو محله مشهد بهره برده شده، تلاش شده است تا با رویکردی ویژه و مشخص و به زبانی گویا به ویژگی‌های نادان شهرهای فارابی اشاره گردد.

بنابراین با توجه به ویژگی‌های کالبدی نادان محله‌ها که با استفاده از تحلیل متون و روش دلفی به دست آمد، و سنجش آنها با سرانه‌های مطلوب کاربری‌ها در محله، می‌توان به نارسایی‌ها و دلایل پدید آمدن نقص‌های شخصیتی و تفکر افراد پی برد. مهم‌ترین بخش پژوهش، به دست آوردن نمود کالبدی صفات نادان شهر فارابی و ارتباط کالبد با تفکر و شخصیت افراد ساکن در محله است که با پرسشنامه سنجیده می‌شود.

کلیدواژگان: فارابی، نادان شهر، نادان محله.

۱. مقدمه

امروزه شهرها از چنان اهمیتی برخوردارند که رابرت پارک، بنیان‌گذار مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، شهر را «کارگاه تمدن بشر» نامیده است. به عبارتی شهرها جلوه‌گاه تمام‌نمای شکوه و نزول جوامع در طول تاریخ به شمار می‌آیند. از این رو بررسی این شکوه و نزول از دیدگاه فارابی، که از جمله بنیان‌گذاران فلسفه اسلامی نیز هست، خالی از لطف نیست.

فارابی را می‌توان معمار طاق و رواق فلسفه اسلامی دانست. عبدالله نعمه می‌نویسد: «هیچ فکری در فلسفه اسلامی نیست، مگر آنکه ریشه‌اش در فلسفه فارابی باشد». سید حسین نصر درباره وسعت نظر و اهمیت فارابی چنین شاهد می‌آورد که «از منظر عرفان تا فلسفه اولی تا فلسفه سیاسی همه، در زیر شهر اندیشه فارابی قرار گرفته‌اند» (کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۳). از آنجاکه فارابی به عرصه‌های مختلف فلسفی و فکری به طور تخصصی وارد شده و در بسیاری از آنها از جمله اخلاق، هنر و دین استاد شده و نظریه‌پردازی کرده است، لذا اندیشه‌های وی برای معماران و شهرسازان درخور تأمل خواهد بود. فارابی گونه‌هایی از جامعه‌های غیرآرمانی را وصف و اندیشه‌های شهروندان آنان را مطرح کرده و از این رو گروهی از پژوهشگران برآنند که او با این کار، جامعه خود را به نقد کشیده و در صدد اصلاح آن برآمده است (جمشیدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۸) از منظر فارابی کالبد شهر و شکل و شمایل ساخت‌وسازها تأثیری بر اصل مدنیت شهر ندارند. وی کالبد شهر را مقوله‌ای «بالعرض» می‌داند که نقش چندانی در تحولات و فرایندهای مدنی ندارد؛ اما از سویی دیگر جغرافیای محیطی را در جهت‌گیری‌های مدنی مهم برمی‌شمرد که تأثیری بسزا بر خلق و خوی شهرنشینان و در نتیجه ویژگی‌های شهر می‌گذارد.

رسیدن به کمال نهایی انسان از جمله نتایجی است که در شهر مطلوب فارابی تبلور می‌یابد؛ شهری که به مثابه بدنی سالم و همگام با نظام تکوینی عالم هستی، تجلی انتظام حقیقی، وحدت و

نظام سلسله مراتب است؛ فضایی که همه اعضا برای پایدار ماندن آن با یکدیگر همکاری می‌کنند. بنابراین یا مردم همه در سعادت‌اند یا همه در رنج و مشکل. سرنوشت یک فرد به خود او ختم نمی‌شود، بلکه کل جامعه در سعادت و یا شقاوت شهر، نقشی مهم و مؤثر دارند (محتشم امیری، ۱۳۹۳).

۱-۱. پیشینه تحقیق

در باره ارتباط فارابی، مدینه فاضله، عدالت و روش‌شناسی با زندگی انسان‌های معاصر و آرمان شهر اسلامی، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقاله سعیده محتشم امیری با عنوان «بررسی صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر حکیم ابونصر فارابی» که در آن می‌توان به صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر این حکیم برجسته مسلمان دست یافت و در پی طراحی الگوی شهر اصیل اسلامی ایرانی است.

همچنین است رساله مرتضی بحرانی با عنوان «شیوه‌های زندگی انسان‌های فاضل در مدینه‌های غیرفاضله» که در آن پرسش‌هایی از این دست مطرح شده است: اگر در مدینه‌های غیرفاضله، انسان‌های فاضل، منفرداً بخواهند زندگی فاضلانه‌ای داشته باشند، چه سبکی از زندگی می‌تواند سنگ‌بنای زیست آنها باشد؟ در پاسخ به چنین پرسشی، فارابی گزینه‌هایی چون رفتن از مدینه غیرفاضله به مدینه فاضله، زیست غریبانه در مدینه غیرفاضله و یا تسلیم مرگ شدن به جای زندگی در مدینه غیرفاضله را پیش می‌کشد.

اما در بیشتر پژوهش‌ها، هدف پژوهشگران جمع‌آوری و دسته‌بندی ویژگی‌های آرمان شهر بوده و از مدینه‌های جاهلیه فارابی به ندرت یاد شده است؛ لذا برای یافتن و تحقیق و تفحص در موضوعات نادان شهرها باید به متون کتاب‌های فارابی مراجعه شود. جامع‌ترین کتاب درباره نادان شهرها سیاست‌المدنیه و آراء اهل مدینه فاضله است که در این پژوهش با استناد به این دو سند معتبر، شاخص‌ها انتخاب شده‌اند.

۱-۲. روش تحقیق در این پژوهش از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای)، تحلیل محتوای متن و روش دلفی همراه با موردپژوهی (به وسیله پرسشنامه در دو محله مشهد) بهره برده شده است. انتخاب محلات بر اساس سطح درآمد و اقتصاد مردم محله بوده که به عنوان معیاری از طرف سازمان مسکن و شهرسازی شهر مشهد برای ارزیابی نابرابری اقتصادی (طبقات اقتصادی) انتخاب شده و این معیار به دسته‌بندی مناطق سیزده‌گانه مشهد به پنج سطح درآمدی انجامید؛ به گونه‌ای که منطقه ۱ (سجاد و احمدآباد) بالاترین سطح درآمد و مناطق ۴ و ۵ کمترین سطح درآمد

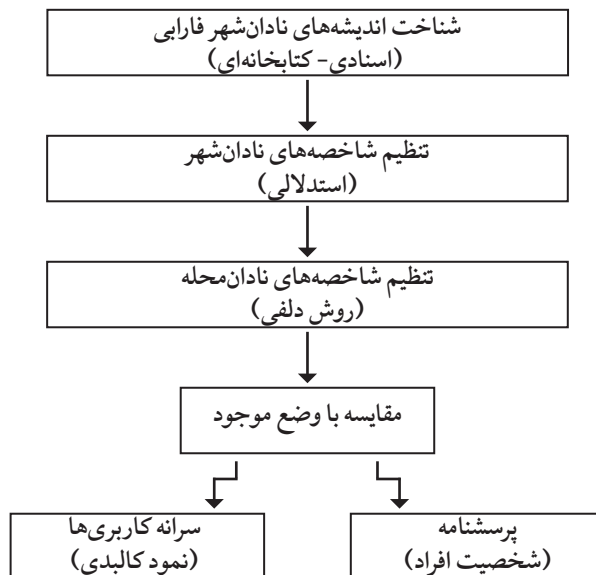
را به خود اختصاص دادند (جدول شماره ۱). لذا برای این تحقیق بالاترین و پایین‌ترین دهک اقتصادی انتخاب شده است.

جدول شماره ۱؛ پنج سطح درآمدی شهر مشهد

منطقه	سطح درآمد
۱ (سجاد - احمدآباد)	۱
۹ (هاشمیه - سیدرضی)	۲
۸ - ۲	۳
۷ - ۶ - ۳	۴
۵ - ۴	۵

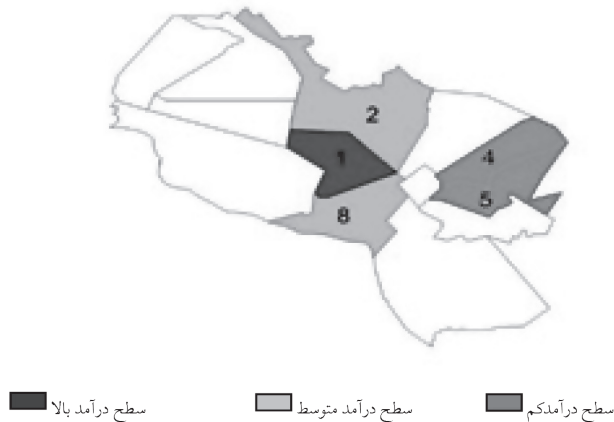
انتخاب شاخصه‌ها و اصول از دو اثر اندیشمند برجسته مسلمان، ابونصر فارابی، صورت گرفته است. سیاست‌مدانیه و آراء اهل مدینه فاضله دو اثری هستند که این حکیم مسلمان در آنها به ویژگی‌های شهرهای مختلف اشاره کرده و برای استخراج صفات نادان‌شهرها در این مقاله، از آنها بهره برده شده است. برای تبدیل صفات به نمود کالبدی در شهر و تنظیم شاخصه‌های نادان‌محله‌ها از روش دلفی و نظر کارشناسان استفاده شده است.

جدول شماره ۲. روند تحقیق



۳-۱. محدوده مورد مطالعه

انتخاب محله «پنج تن» و «سجاد»، با توجه به قرارگیری دو محله در دو دهک اقتصادی پایین و بالا صورت گرفت تا با مقایسه دو محله، تأثیر طبقات اقتصادی در پدید آمدن برخی مشکلات روشن شود.



۲. مبانی نظری

۲-۱. فارابی و گردهمایی های آدمیان

فارابی گردهمایی آدمیان را بر چهار نوع می داند: ۱. آرمان شهر، ۲. نادان شهر، ۳. دروند شهر، ۴. گمراه شهر. او

نورسته ها و انگل هایی را که در آرمان شهر پدیدار خواهند گشت «نوابت» می نامد و پدید آمدن آنان را در آرمان شهر به روییدن چچم و شلمک در گندمزار یا رشد خار نورسته و زیان بخش در میان گشت زار همانند می کند و بر این باور است که باید این گونه شهروندان نادرست و ناراست را در آرمان شهر به یک سو نهاد؛ آدم نمایانی که با جانوران هم سنگ اند و از هر سو همانند آنها خواهند بود، شهری نخواهند داشت و هرگز برای آنان گردهمایی شهری نخواهد بود.

این جماعت برخی مانند حیوانات اهلی و برخی همانند جانوران صحرائی چون درندگان می زیند و با این آدم نمایان همان کاری را می کنند که با حیوانات زیان بخش خواهند کرد. از دیدگاه فارابی هرگاه با چنین آدم نمایانی روبرو شویم سزاوار است با آنان همانند جانوران رفتار کنیم (ملک شاهی، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

۲-۲. نگاهی به مفهوم شهر و شهرنشینی از دیدگاه فارابی

از دیدگاه فارابی ذات هر یک از مردم بر این سرشته شده است که در پایدار ماندنش و رسیدنش به کمال نیازمند چیزهای بسیاری است که خود او نمی تواند به تنهایی به همه آن پردازد و به ناچار نیازمند گروهی است که هر کدام از ایشان به بخشی از نیازمندی هایش پردازند تا از آن همکاری ها کمال پدید آید.

نشانه های زندگی اجتماعی از نظر فارابی بدین قرار است:

۱. افراد و گروه های بسیار،
۲. مکان واحد،
۳. پیوستگی و ارتباط با یکدیگر،
۴. هدف داری.

فارابی رسیدن به کمال نهایی انسان را در راستای همکاری و تشکیل اجتماعات می داند تا افراد به یکدیگر یاری رسانند. وی به عوامل مختلفی از جمله ذات و سرشت طبیعی مدنی انسان، نیاز به تعاون جهت رسیدن به کمال و نیاز به تعاون برای برآورده شدن نیازهای طبیعی به عنوان مواردی که موجب شکل گیری اجتماعات نخستین می شوند، اشاره می کند (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸).

۱-۲-۲. اجتماعات کامل و غیرکامل

فارابی اصطلاح اجتماع کامل را بر سه نوع عظاما، وسطا و صغرا می داند که این اجتماعات به ترتیب در قسمت معموره زمین، جزئی از آن و بخشی از محل سکونت یک امت مستقرند. وی همچنین اجتماعات غیرکامل را به اهل ده، محله، کوی و منزل تقسیم می کند.

جدول شماره ۳. انواع اجتماعات به لحاظ جمعیتی از دیدگاه فارابی (مأخذ: محتشم امیری، ۱۳۹۳)

جماعات در قسمت معموره زمین	عظما	اجتماعات کامل	انواع اجتماعات
اجتماع امتی در بخشی از قسمت معموره زمین	وسطا		
اجتماع مردم یک مدینه	صغرا		
اهل ده		اجتماعات غیرکامل	
اجتماع مردم محله			
اجتماع در یک کوی			
اجتماع در منزل			

۲-۳. زیست اجتماعی و اخلاق

درباره علت زیست اجتماعی بشر و متعاقب آن پیدایش دولت، از دیرباز تاکنون نظریات مختلفی مطرح شده است. نظریه طبیعی ارسطو، نظریه «زور و جبر» ابن خلدون، نظریه قرارداد اجتماعی هابز، نظریه اخلاقی هگل و نظریه اقتصادی مارکس، از مهم‌ترین آموزه‌هایی هستند که درباره چگونگی پیدایش اجتماع و دولت بیان شده‌اند. فارابی در کتاب السیاسه المدینه به تبیین زندگی اجتماعی بشر می‌پردازد. وی در این باره می‌گوید: انسان از جمله موجوداتی است که به طور مطلق نه به حوایج اولیه و ضروری زندگی خود می‌رسد و نه به حالات برتر و افضل؛ مگر از راه زیست گروهی و اجتماع گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و با پیوستگی به یکدیگر. فارابی در این دیدگاه خود رفع حوایج اولیه و رسیدن به کمالات برتر را که از راه تشکیل اجتماع امکان‌پذیر است، علت عمده تشکیل اجتماع معرفی می‌کند. دیدگاه فارابی شبیه دیدگاه ارسطوست؛ زیرا وی در کتاب آراء اهل مدینه فاضله به شکلی واضح‌تر می‌گوید:

هریک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود محتاج به اموری بسیارند و هر یک به تنهایی نتوانند مکفل انجام همه آن اموری از مایحتاج آن بود و هر یک از افراد انسان وصول به کمالی که فطرت طبیعی او برای وی قرار داده است ممکن نباشد مگر به واسطه اجتماع و تجمع گروه‌های بسیار که یاری‌دهنده یکدیگر باشند.

از نظر فارابی زندگی در اجتماع وسیله است نه هدف. هدف، رسیدن به کمال است که سعادت دنیا و آخرت به وسیله آن تأمین می‌شود؛ سعادتتی که به جز زیست گروهی، منوط به پایبندی به

اصول و مکارم اخلاقی است. بنابراین علت پیدایش زیست اجتماعی از نگاه فارابی را باید در یک هدف اخلاقی که همان دستیابی افراد جامعه به بالاترین ارزش انسانی (سعادت اخلاقی) جست‌وجو کرد.

۴-۲. تیپ‌بندی جوامع و اخلاق

معیار اصلی فارابی در تقسیم مدن و نظام‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس نوع برداشت و نگرش به مفهوم «سعادت» از سوی مردمان مدن است. فارابی نیم‌رخ اخلاقی از جوامع ترسیم می‌کند و اجتماعات انسانی را بر پایه شناخت و پی‌جویی سعادت حقیقی در یک طبقه‌بندی ارزشی، به جوامع فاضله، جاهله، ضاله، فاسقه و متبدله تقسیم می‌نماید (اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳).

الف) فارابی مدینه فاضله را مدینه‌ای می‌داند که اولاً مردمانش راه نیل به سعادت را شناخته، در مسیر آن با اخلاق فاضله گام بر می‌دارند؛ ثانیاً رئیسش مردم را در همان مسیر سعادت هدایت می‌کند؛ ثالثاً در پرتو شناخت صحیح مردم از مبدأ و معاد و نبوت، یکی از ارکان اصلی دین است؛ ب) مدینه جاهله، جامعه‌ای است که مردمش نه سعادت را شناخته‌اند و نه چنین چیزی به ذهنشان خطور کرده است. اگر هم به سعادت حقیقی رهنمون شوند، نه آن را می‌فهمند و نه به آن معتقد می‌شوند؛ تنها برخی امور را که به ظاهر خیر و خوبی پنداشته می‌شود، مانند تندرستی، بهره‌وری از لذات، آزادی در خواست‌های نفسانی و مورد احترام و تعظیم قرار گرفتن، سعادت می‌پندارند؛

ج) مدینه فاسقه، جامعه‌ای است که مردمش به اصول فاضله اعتقاد دارند و به نوعی آن را تصور کرده‌اند و به افعالی که موجب سعادت است راهنمایی شده‌اند و آن را می‌شناسند؛ ولی به هیچ‌یک عمل نمی‌کنند و طبق خواست‌های نفسانی به هدف‌های جامعه جاهلی تمایل یافته، به سمت آن می‌روند. از این رو می‌توان آن را نوعی جامعه مبدله به شمار آورد؛

د) مدینه ضاله: در این جامعه برای مردم امور دیگری غیر از اصول فاضله بیان شده است. سعادت تعریف شده برای آنان غیر از سعادت حقیقی است و افعال و آرای وضع شده، آنان را به سعادت حقیقی نمی‌رساند. رئیس چنین جامعه‌ای فاقد فضیلت و حکمت است و با نیرنگ، فریب و ظاهرسازی، چنین می‌نماید که به من وحی می‌شود؛

ه) مدینه مبدله یا متبدله: این جامعه در گذشته فاضله بوده است؛ ولی دگرگون شده و رفتار و اندیشه‌هایی غیر از جامعه فاضله در آن رخنه کرده و به جامعه غیرفاضله تغییر هویت داده است.

جدول شماره ۴. انواع مدینه‌ها از دیدگاه ابونصر فارابی
(مأخذ: محتشم امیری، ۱۳۹۳)

مدینه فاضله	آن مدینه که مقصود حقیقی از اجتماع در آن تعاون بر اموری بود که موجب حصول و وصول به سعادت آدمی است، مدینه فاضله است.	
مدینه جاهلیه	مدینه ضروریه	
	مدینه بداله (ثروت)	
	مدینه شقوت (لذت مادی)	
	مدینه کرامت (شهرت)	
	مدینه تغلیبه (چیرگی یابی)	
انواع مدینه از منظر فارابی	مدینه جماعیه (شعوت)	
	مدینه فاسقه	ساکنان این مدینه آگاهی و علم به راه‌های تعالی انسان را دارند، اما به آن عمل نمی‌کنند و به همان نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی و دنیوی انسانی همت می‌گمارند (عالمان بی عمل).
	مدینه مبدله	ساکنان این مدینه در ابتدا بر عقاید و افعال مدینه فاضله هستند، اما به مرور زمان با ورود عقاید وارداتی، این مدینه و عقاید مردمش تبدیل می‌یابد و واژگون می‌گردد و به فعلی غیر از افعال گذشته مبادرت می‌ورزند.
مدینه ضاله	شهری که باورهای مذهبی از پایه و اساس آن فاسد و نادرست و کاذب باشد.	

۵-۲. گونه‌های نادان‌شهر فارابی

الف) نادان‌شهر ضرورت (تن‌پروری - تن‌آسایی): بسنده کردن به حداقل ضروریات زندگی و اقتصاد به اشیایی از ماکول و مشروب و مسکون و منکوح، که قوام بدن محتاج به آنهاست، صفت ماهوی اهل این مدینه است. اهل این شهر سلامت تن را خیر می‌دانند و بدبختی و شقاوت را همان آفات تن و محرومیت از لذایذ جسمانی می‌دانند و تنها ظاهر را می‌بینند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). طبعاً انسان و همه متعلقات او یعنی دانش، تفکر، تعقل، فرهنگ، سیاست، اخلاق و هنر و فضیلت و صنعت و... تبدیل به ابزاری می‌شود در راستای حفظ حیات او. از لحاظ خصوصیت رفتاری، خلق و خوی مشترک در میان اهل این مدینه، تشبث به حيله و تزوير برای کسب حداکثر این خواسته‌هاست. فارابی مدینه ضروریه را متضاد مدینه فاضله می‌داند و وجه مشترک همه اهالی مدینه‌های جاهلیه را توجه و بسنده کردن به حیات مادی و غفلت از حیات اخروی می‌داند. در

این شهر سعادت به پایین‌ترین معنای خود تقلیل می‌یابد؛ نیروهای درونی نادیده گرفته و از خود تهی می‌شوند (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). پیگیری و طلب خوشبختی در بیرون از حیطه وجود انسان، اگر در سطحی کلان قرائت شود، سر از آنجا درمی‌آورد که شهر قدرتمند به حقوق مدینه‌های دیگر دست‌اندازی و تجاوز کند تا بتواند خوشبختی و کامروایی شهروندان خود را تأمین کند. اهالی این شهر به فضایل اخلاقی نمی‌اندیشند و نیازی به فضیلت در خود احساس نمی‌کنند. در بین مردم این مدینه حرف از عدل و دوستی و آزادی و تساوی و... می‌شود، اما چون این امور جنبه ابزاری دارند، برای رسیدن به حیات مطلق و غیر مشروط، میان تهی و غیر حقیقی‌اند (حکمت، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

ب) نادان شهر ثروت: اهل این مدینه غایت قصوای حیات خویش را در کسب ثروت هر چه بیشتر و نکاتر اموال گرفته‌اند. زبان ارتباطی، فلسفه، منطق، کلیه مناسبات و فعالیت‌های انسانی، تعاون و معاضدت شهروندان همه در کسب، نمایش و افزایش ثروت متمرکز شده است. ماهیت سیاست در این مدینه و علم و تدبیر مدن نیز به منظور حمایت از همین خواسته است. پیشه بیشتر مردم این مدینه تجارت است و همگی در کار خرید و فروش هر نوع و هر قلم کالا، اعم از سیاست و فرهنگ و هنر و شخصیت آدمیان‌اند. نکته مهم اینکه همه اهالی این مدینه عاشق پول فی نفسه‌اند، نه اینکه آن را در کسب دیگر خیرات حیات اول (مادی) به کار گیرند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹).

ج) نادان شهر لذت (لذت مادی): غایت قصوای اهل این مدینه لذت است و حیاتشان مصروف کسب لذایذ جسمانی و تخیلی، از ماکول و مشروب و منکوح و هزل و طرب به هر نحو ممکن می‌شود. این وضعیت مردمان مدینه‌ای چنین لذت‌گرا، مورد غبطه و رشک اصناف دیگر مدینه‌های جاهلیه است. به نظر می‌رسد تأکید خاص فارابی بر وجود چنین مدینه‌ای با ماهیت لذت‌طلبی و هزل و بی‌عاری و مطایبه با شهروندانی عیش و نوش طلب و خوش‌گذران، از ابداعات فکری خود اوست (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳)؛

د) نادان شهر شهرت: اهالی شهر شهرت، عاشق کسب افتخار و شهرت در میان دیگر ملل و خواستار تشخص و تمایز در میان دیگر مدینه‌ها و طالب اکرام‌اند. به گمان فارابی اهل این مدینه بر حسب اینکه نیل به این غایت قصوای حیات خود را در تحصیل کدام شیء بیابند، در اصناف

مدینه‌های کرامتیه گرد می‌آیند. آن گروه که جلال و افتخار و بزرگی را در ثروت و در یسار بیابد و باور داشته باشد که مرفه‌ترین فرد مدینه، کریم‌ترین آنان نیز هست، هدف خود را در تحصیل ثروت خواهد جست. برخی دیگر کرامت را در نسب و خون و پاره‌ای در قهر و غلبه جست‌وجو می‌کند. به این ترتیب چنین به نظر می‌رسد که فارابی در سیاست المدنیه و آراء، مدینه‌ها را بر حسب اینکه رفاه یا غلبه یا لذت را هدف خویش قرار دهند، آنها را از اصناف مدینه‌های جاهلیه برمی‌شمارد. در این مدینه هدف سیاست کسب افتخار و بزرگ‌نمایی است و ماهیت قوانین در جهت تسهیل و تحصیل این غایت تکوین یافته است (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). این مدینه نزدیک به مدینه فاضله است. اگر کرامت به حد افراط برسد، این مدینه به شهر جباران شبیه، و نزدیک به شهر قدرت می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷)؛

ه) نادان‌شهر قدرت: غایت اهل مدینه تغلبیه قاهریت و عدم مقهوریت و لذت آنان در کسب قدرت است. فارابی سیاست این مدینه را بدترین سیاست اصناف مدینه جاهلیه برمی‌شمرد. ساختار درونی مدینه تغلبیه بر شالوده سلسله‌مراتب استبداد و زور استوار است و از رأس هرم تا ساق‌های آن، رابطه غلبه و قاهریت قدرتمند و مقهوریت ضعیف‌تر به پایین ریزش می‌کند. مردم این مدینه در خارج از مرزهای آن ملتی جنگ‌افروز، متجاوز و توسعه‌طلب و خواهان غلبه بر جان، مال، شخصیت و آزادی دیگر آدمیان‌اند و گویی آزادی و آزادگی امت‌های دیگر را نشانه رفته‌اند. غایت قصوای حیات اینها غلبه فی‌نفسه است و اشد لذتشان در خونخواری افزون‌تر. ویژگی اخلاقی اهل مدینه تغلبیه بی‌رحمی، ستمگری، غضب و غارت است و در واقع دیگر اسباب لذت اعم از کرامت، ثروت و لذا اید جسمانی را از راه سلطه و پیروزی به چنگ می‌آورند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). وسایل غلبه، یا نفسانی است یا جسمانی و یا به وسیله اسلحه. در این مدینه یا همه اهالی طالب غلبه هستند یا بعضی از اهالی یا صرفاً یک نفر متغالب است. اگر توجه کنیم، مدینه‌های دیگر نیز گاه صورت تغلبی به خود می‌گیرند. می‌توان گفت برای تشخیص آنها باید به غرض توجه کرد و اگر تغلب را به اعتبار اینکه غایت یا وسیله است، منظور بداریم باز سه نوع شهر قدرت پیدا می‌کنیم. شهر قدرتی که قهر در آن مطلوب لذاته است؛ قهر را برای لذت، و در عین حال لذت و نفع و قهر را با هم می‌خواهد و برای مثال، نفع بی‌قهر را نمی‌پذیرد (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)؛

و) نادان‌شهر شهوت: فارابی مدینه جماعیه را به دو نام مدینه «احرار» و مدینه «تضادها» می‌خواند. در این بهترین مدینه بعد از مدینه فاضله، هر یک از اهالی آزاد و مختار است تا هرگونه

غایتی برای خود برگزینند و برای تحصیل آن نیز هر وسیله‌ای را بگیرند. مدینه جماعیه شهر بروز بواطن اعم از نیک و بد و محل رشد هرگونه استعداد، فضیلت یا رذیلتی ست. در این مدینه دو اصل آزادی و مساوات به نحو کامل برقرار است. در بین مدینه‌های جاهلیه، این مدینه تنها مدینه‌ای ست که غایت ثابتی ندارد و مجموعه‌ای از افراد کثیرالذات را گرد آورده است و بی‌جهت نیست که فارابی آن را شهر تضاد می‌نامد. مردم این مدینه دارای خلق‌ها و خصائل متفاوت‌اند؛ هرکس برحسب فطرت خود به راهی می‌رود و پاک و پلید، هر دو ساکن این شهرند. فارابی این مدینه را به لباس رنگارنگی تشبیه می‌کند که جلوه‌ای محبوب و دوست‌داشتنی دارد و مردم از اقصانقاط عالم به سوی این اجتماع مدنی مهاجرت می‌کنند. نسل‌ها را در هم می‌آمیزد و نژادها و فرهنگ‌های جدید در آن پدیدار می‌گردد. این افزایش جمعیت و تنوع آن بر آبادانی و توسعه شهر می‌افزاید و موجب جمال و تعالی افزون‌تر آن می‌گردد. با آنکه مدینه جماعیه هنوز از اصناف مدینه جاهلیه است و تهیه وسایل ارضای تمایلات و شهوات، غایت سیاست آن به شمار می‌رود، نگرش فارابی به این اجتماع مدنی مثبت و امیدوارانه‌تر از دیگر مدینه‌هاست. به علت ماهیت آزادی‌پرور این مدینه بر خلاف دیگر اصناف مدینه جاهلیه، بیشترین اشخاص فضیلت‌مند، دانا، خطیب و شاعر را در خود جمع کرده است (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲). همه صفاتی که در نادان‌شهرهای قبلی گفته شد، در این نادان‌شهر دیده می‌شود. این مدینه به طوایفی تقسیم می‌شود؛ بعضی شریف و بعضی خسیس. مردم این مدینه از رئیس نفعی نمی‌برند، بلکه به او مال هم می‌دهند. چون مردم زندگی در این مدینه را دوست دارند، جمعیتش افزایش می‌یابد؛ گویی در یک مدینه، مدینه‌های مختلف پدید آمده و غریب و مقیم در این مدینه فرقی ندارد (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳).

۳. تنظیم شاخصه‌های نادان‌شهر فارابی از تحقیق و تفحص در متون مربوط به نادان‌شهرهای فارابی می‌توان ویژگی‌هایی استخراج کرد که قابلیت تبدیل به ویژگی‌های کالبدی را دارند. لذا در این پژوهش پس از پیمایش پرسشنامه دلفی ارزیابی و نظرات چندی از کارشناسان و پژوهشگران این حوزه در مقطع دکتری معماری اسلامی بهره برده شد و شاخصه‌هایی به عنوان نمود کالبدی نادان‌محلله‌های شهرهای معاصر در جدول زیر تدوین و طبقه‌بندی گشت که می‌توان با استفاده از این شاخص‌ها و آمارهای موجود و سرانه مطلوب هر کاربری در محلات (جدول شماره ۶ و ۷) به افزایش یا کمبود شاخص‌ها پی برد (جدول‌های سرانه‌ها در پیوست آمده است).

جدول شماره ۵. شاخصه‌های نادان محله‌ها برگرفته از نادان شهرهای فارابی
(منبع: نگارنده با اعتبارسنجی دلفی)

شهر	نمود کالبدی
شهر نادان شهر خردورتن	۱- رشد بیش از حد مراکز خرید و غلبه آن بر دیگر کاربری‌ها ۲- رشد بیش از حد تولیدی‌ها ۳- کمبود مسجد و مراکز مذهبی ۴- کمبود مراکز فرهنگی (فرهنگسرا و...) و کتابخانه و فضاهای آموزشی با کیفیت ۵- بی‌اعتنایی به روابط همسایگی ۶- بی‌اعتمادی ۷- کمبود مکان اجتماع‌پذیر (فعالیت خانوادگی - معاشرت) در محله ۸- استفاده از سازه‌ها و مصالح بیش از اندازه پایدار (غیر قابل تجزیه) در بناها ۹- کاهش فضای سبز و پارک‌ها در سطح محله ۱۰- کمبود و ضعف قوانین شهرسازی جهت یکپارچه‌سازی و وحدت در محله‌ها و شهرها
شهر نادان شهر خردورتن	۱- کانون شدن مراکز خرید و فروش در شهر ۲- افزایش مراکز خرید (رشد مراکز تجاری در بعد سوم (ارتفاع)، به جای بازارهای ارگانیک در سطح شهر) ۳- افزایش تجملات و به رخ کشیدن در ساخت و ساز (وجود ساختمان‌های بلندمرتبه با نماهای سنگ، شیشه و... که تداعی کننده قدرت هستند، و حس برتری بینی را در افراد تقویت می‌کنند) ۴- کم‌رنگ شدن مشارکت مردم در آبادی شهرها (فردگرایی) ۵- مورد تهدید قرارگرفتن حقوق افراد ۶- افزایش املاک‌ها و بناگاه‌های معاملاتی و یا شاخص شدن برخی کاربری‌ها نظیر بنگاه مسکن ۷- ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۸- کمبود کتابخانه ۹- افزایش مراکز اقتصادی نظیر بانک‌ها و نماد شدن ۱۰- عدم نظارت بر کار سازمانها جهت جلوگیری از تخلف‌های تراکم ساخت
شهر نادان شهر خردورتن	۱- رشد بیش از حد مراکز تفریحی کاذب (مثل بازی‌های کامپیوتری و این قبیل) ۲- افزایش رستوران‌ها و فست فودها که در غالب تفریح و گذران فراغت جامعه را مصرفی و سلامت را از جامعه سلب کرده است. ۳- کمبود مسجد ۴- عدم توجه به شعار دینی ۵- رشد بیش از حد مراکز اجتماعی ناکارآمد ۶- افزایش بیش از حد پارک و بوستان ۷- کمبود مراکز عبادی و دینی ۸- نبودن کتابخانه ۹- ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۱۰- افزایش نامطلوب مراکز خرید به جای فضاهای تولیدی ۱۱- کمبود فضاهای برای فعالیت‌های فکری مانند فضای کتابخانه، آزمایشگاه، پارک علم و تکنولوژی
شهر نادان شهر خردورتن	۱- افزایش بی‌رویه ساختمان‌های بلند ۲- تشخیص کالبدی هر بنا نسبت به بنا مجاورش ۳- نبود انسجام اجتماعی در شهر ۴- تجمل‌طلبی ۵- عدم توجه به بافت و فرهنگ منطقه قرارگیری در ساخت‌وساز ۶- افزایش نورپردازی‌های افراطی در نماها ۷- افزایش فرم‌های متنوع و عجیب جهت ایجاد جلب توجه ۸- عدم قوانین نصب تابلو در شهر ۹- استفاده از مصالح غیربومی
شهر نادان شهر خردورتن	۱- افزایش بی‌رویه ساختمان‌های بلند و عدم توجه به قوانین شهرداری و تراکم‌های مجاز ۲- غلبه هویت فردی بناها بر هویت جمعی محله ۳- بی‌اعتنایی به روابط و حقوق همسایگی ۴- ضرر به دیگران (مالی، روحی، اجتماعی) در ساخت‌وساز ۵- وجود افراد از قشر یا صنف خاص
شهر نادان شهر خردورتن	۱. عدم تفکیک‌پذیری فضاها ۲- حس ناامنی ۳- رعایت نکردن حفظ حریم و سلسله‌مراتب ۴- بی‌توجهی به اصل عفاف در فضای شهری ۵- فردگرایی ۷- ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۸- عدم همگونی سطح اقتصاد افراد ۹- عدم توجه به طرح جامع نورپردازی ۱۰- تنوع رنگ مصالح نماها و نورهای نما در شب ۱۱- عدم روشنایی مناسب در پارک‌ها

مدینه - جاهلیه (نادان شهر)

۴. سنجش شاخصه‌های نمود کالبدی با سرانه‌های مطلوب شهری

برای تصدیق و اثبات صحت شاخصه‌های نمود کالبدی نادان محله‌های شهرهای معاصر، می‌توان با استفاده و مقایسه آمارهای وضع موجود و سرانه مطلوب هر کاربری در محلات (جدول شماره ۶ و ۷) به افزایش یا کمبود شاخص‌ها پی برد (دیگر جدول‌های سرانه‌ها در پیوست آمده است).

جدول شماره ۶. تقسیمات کالبدی محله
(منبع: سرانه کاربری‌های شهری، سیدمحسن حبیبی)

نام تقسیم	واحد مسکونی	کوچه یا گروه مسکونی	کوی یا واحدهمسایگی
محله	۱۲۵۰-۷۰۰	۱۰-۸	۳-۲

جدول شماره ۷. عناصر تشکیل دهنده تقسیمات کالبدی یک محله
(منبع: سرانه کاربری‌های شهری، سیدمحسن حبیبی)

نام تقسیم	اسم‌های مترادف	دامنه نوسان		عناصر شاخص			عناصر توزیعی	رفت و آمد
		خانوار	نفر	شعاع دسترسی	دامنه نوسان	زمان به دقیقه		
محله	-	۱۲۵-۷۰۰	۵۵۰-۲۵۰۰	مقیاس مطلوب	نام	خدماتی	-	-
		۳۷۵-۳۰۰	۵	* به ازای هر نفر ۰/۲-۰/۳	* کانون پرورش فکری کودکان * واحدهای تجاری خرید روزانه * پارچه پست * پارک محله‌ای * واحد پزشکی مستقل	* فرهنگی مسجد * آموزشی دبستان	* گذر (پیاده اصلی) * شبکه سواره * ایستگاه اتوبوس * مقر تاکسی تلفنی	

تنظیم پرسشنامه

پرسش‌های مطرح شده در پرسشنامه با توجه به گزاره‌های نادانی به دست آمده در شاخص‌های نمود کالبدی تنظیم شده است. لذا تلاش کرده‌ایم تا با بررسی میزان مثبت یا منفی بودن پاسخ‌ها، به نوع نادانی مد نظر فارابی نزدیک شویم.

جدول شماره ۸. پرسش‌های پرسشنامه (برگرفته از شاخص‌های کالبدی، منبع: نگارنده)

<p>۱- بیشترین ساعات شبانه روزم را صرف کار و کسب درآمد می‌کنم ۲- مسائل فرهنگی و مشارکت در آنها برای من اهمیت دارد ۳- در صورت رفتن به مسافرت، می‌توانم خانه را به همسایه‌ها بسپارم ۴- حداقل هفته‌ای دوبار در محله با همسایگان معاشرت می‌کنم ۵- در هنگام خرید به ضروریات زندگی بسنده می‌کنم ۶- بیشترین ساعات من در شبانه‌روز صرف جسم من می‌شود (ورزش، غذا، خواب) ۷- در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم</p>	<p>نادان‌شهر ضرورت</p>
<p>۱- از نظر اقتصادی با دیگر همسایه‌ها در یک سطح نیستم ۲- تردد افراد غریبه در محله ما است ۳- افراد دیگر محله‌ها مشتاق هستند که در این محله زندگی کنند ۴- در محله ما کسی در کار کسی دخالت نمی‌کند حتی در فضای عمومی ۵- مشارکت در فعالیت‌های عمومی را دوست دارم ۶- محله ناامنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و...) ۱- استفاده از پنجره‌های خانه باعث از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود</p>	<p>نادان‌شهر شهوت</p>
<p>۱- خوشبختی را در تفریح و لذت بیشتر در دنیا می‌دانم ۲- رفتن به پارک و مراکز تفریحی را به مسجد و مراکز عبادی ترجیح می‌دهم ۳- تمایل دارم بیش از نیمی از روز خود را صرف خوش‌گذرانی کنم ۴- در اوقات فراغت، رفتن به کافی‌شاپ و پارک را به جای کتاب‌خواندن ترجیح می‌دهم ۵- ترجیح می‌دهم به جای خرید خانه پول خود را صرف خوش‌گذرانی و تفریح کنم ۶- هدفم از کار کردن لذت بردن است</p>	<p>نادان‌شهر لذت</p>
<p>۱- محله ناامنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و...) ۲- استفاده از پنجره‌های خانه، موجب از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود ۳- بیشتر افراد خاص در این محله زندگی می‌کنند ۴- در صورت مستأجر بودن: در این محله احساس غریبگی و تنهایی دارم ۵- از جانب همسایه‌ها مورد آزار و اذیت (مالی/ روحی/ اجتماعی) قرار گرفته‌ام ۶- باید از لحاظ مالی و شخصیتی در بین همسایه‌ها برتر باشم</p>	<p>نادان‌شهر قدرت</p>
<p>۱- به همه چیز و همه کس به عنوان تجارت و منبع کسب درآمد نگاه می‌کنم ۲- در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم ۳- تمایل دارم تمام زمان خود را صرف کسب درآمد کنم ۴- ثروت از علم و تحصیل برایم مهم‌تر است ۵- خوشبختی را در پول بیشتر و پس‌انداز آن می‌دانم ۶- اینکه نمای خانه‌ام فاخر و تجملاتی باشد برایم اهمیت دارد</p>	<p>نادان‌شهر ثروت</p>
<p>۱- هدفم از کمک کردن به دیگران، محترم و بزرگ شمرده شدن در بین مردم است ۲- همه کار می‌کنم تا در بین مردم شناخته شده و متمایز باشم ۳- داوطلبانه به نیازمندان محله کمک می‌کنم ۴- اینکه در بین دیگران با افتخار و بزرگ شمرده شوم برایم اهمیت دارد ۵- آدم تجملاتی‌ای هستم ۶- اینکه نمای خانه فاخر و تجملاتی باشد برایم اهمیت دارد</p>	<p>نادان‌شهر شهرت</p>

۵. تحلیل پرسشنامه

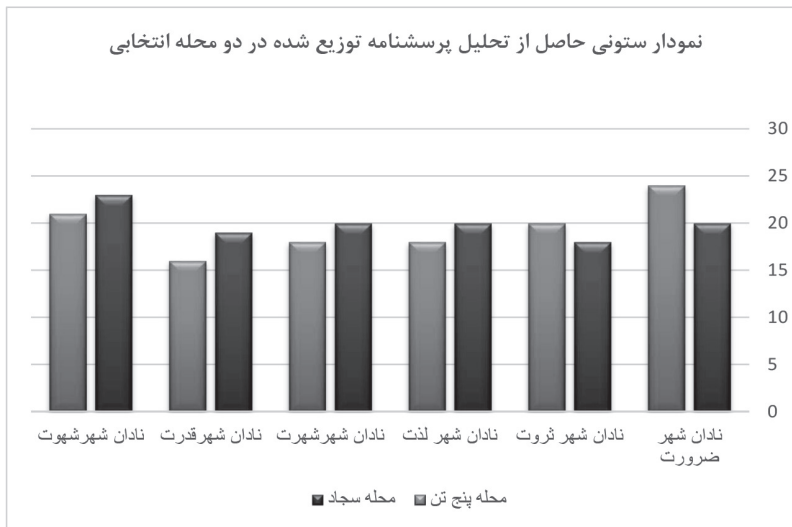
پرسش‌های مطرح‌شده در پرسشنامه با توجه به مواردی که در مبانی نظری مطرح شد، در شش دسته هفت پرسشی تقسیم شد و به صورت پراکنده برای مخاطب مطرح گشت و مورد بررسی قرار گرفت. پنجاه پرسشنامه در هر محله توزیع شد که با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

شهر ضرورت، شهر ثروت، شهر لذت، شهر شهرت، شهر قدرت، شهر شهوت

جنسیت: _____ سن: _____ شغل: _____ مالک هستید یا مستأجر: _____					
دلیل شما از انتخاب این محله برای سکونت چیست؟					
ردیف	پرسش	بسیار کم	کم	تا حدی زیاد	بسیار زیاد
۱	بیشترین ساعات شبانه‌روزم را صرف کار و کسب درآمد می‌کنم				
۲	خوشبختی را در تفریح و لذت بیشتر در دنیا می‌دانم				
۳	مسائل فرهنگی و مشارکت در آن‌ها برای من اهمیت دارد				
۴	از نظر اقتصادی با دیگر همسایه‌ها در یک سطح نیستم				
۵	در صورت رفتن به مسافرت، می‌توانم خانه را به همسایه‌ها بسپارم				
۶	هدفم از کمک کردن به دیگران، محترم و بزرگ شمرده شدن در بین مردم است				
۷	تردد افراد غریبه در محله ما است *				
۸	محله ناامنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و ...)				
۹	ترجیح می‌دهم به جای استفاده از پول‌هایم برای لذت بردن از زندگی آنها را پس‌انداز کنم				
۱۰	استفاده از پنجره‌های خانه باعث از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود *				
۱۱	همه کار می‌کنم تا در بین مردم شناخته‌شده و متمایز باشم				
۱۲	افراد دیگر محله‌ها مشتاق هستند که در این محله زندگی کنند				
۱۳	داوطلبانه به نیازمندان محله کمک می‌کنم				
۱۴	رفتن به پارک و مراکز تفریحی را به مسجد و مراکز عبادی ترجیح می‌دهم				

۱۵	خوشبختی را در پول بیشتر و پس انداز آن می‌دانم				
۱۶	در محله ما کسی در کار کسی دخالت نمی‌کند حتی در فضای عمومی				
۱۷	حداقل هفته‌ای دو بار در محله با همسایگان معاشرت می‌کنم				
۱۸	ثروت از علم و تحصیل برای من ارجح‌تر است				
۱۹	اینکه در بین دیگران با افتخار و بزرگ شمرده شوم برای من اهمیت دارد				
۲۰	تمایل دارم بیش از نیمی از روز خود را صرف خوش گذرانی کنم				
۲۱	بیشتر افراد خاص در این محله زندگی می‌کنند				
۲۲	آدم تجملاتی‌ای هستم				
۲۳	در اوقات فراغت رفتن به کافی شاپ و پارک را به جای کتاب خواندن ترجیح می‌دهم				
۲۴	تمایل دارم تمام زمان خود را صرف کسب درآمد کنم				
۲۵	در صورت مستأجر بودن: در این محله احساس غریبی و تنهایی دارم				
۲۶	در هنگام خرید به ضروریات زندگی بسنده می‌کنم				
۲۷	در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم				
۲۸	ترجیح می‌دهم به جای خرید خانه پول خود را صرف خوش گذرانی و تفریح کنم				
۲۹	بیشترین ساعات من در شبانه روز صرف جسم من می‌شود (ورزش، غذا، خواب)				
۳۰	مشارکت در فعالیت‌های عمومی را دوست دارم				
۳۱	اینکه نمای خانه فاخر و تجملاتی باشد برای من اهمیت دارد				
۳۲	از جانب همسایه‌ها مورد آزار و اذیت (مالی - روحی - اجتماعی) قرار گرفته‌ام				
۳۳	به همه چیز و همه کس به عنوان تجارت و منبع کسب درآمد نگاه می‌کنم				
۳۴	هدفم از کار کردن لذت بردن است				
۳۵	باید از لحاظ مالی و شخصیتی در بین همسایه‌ها برتر باشم				

*برخی پرسش‌ها به دلیل مشترک بودن در نادان شهرها یک بار نوشته شده است؛ لذا در سنجش پرسشنامه‌ها پرسش برای هر محله محسوب خواهد شد.



نتیجه گیری

با توجه به ویژگی های کالبدی نادان محله ها که با استفاده از تحلیل متون و روش دلفی به دست آمد، و سنجش آنها با سرانه های مطلوب کاربری ها در محله، می توان به نارسایی ها و دلایل ایجاد نقص های شخصیتی و تفکر افراد پی برد. البته نقص هایی که فارابی عنوان می کند (مانند ثروت محوری یا شهرت محوری) مطلق اند، نه نسبی. برای مثال افزایش ساختمان های بلند و تفاخر جویی در نمای ساختمان ها در محله های موجود در دهک اقتصادی بالا موجب افزایش نادانی شهرت در مقایسه با محله های موجود در دهک اقتصادی پایین شده است. همچنین گفتنی است که این بررسی موجب کشف نقایص نسبی محلات نسبت به هم شده است؛ لذا این ایجاد ارتباط بین نادان شهرهای فارابی با نادان محله ها و نادانی افکار مردم می تواند نقدی باشد برای وضع موجود محله های امروزی که می توان به دنبال این نقد و شناخت نقص ها راهکارهایی برای بهبود ارائه داد.

منابع

۱. جمشیدنژاد، غلامرضا (۱۳۸۸). آرمان شهر فارابی (مروری بر زندگی و آثار ابونصر فارابی). تهران: انتشارات همشهری.
۲. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸). سرانه کاربری های شهری. تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
۳. حکمت، نصرالله (۱۳۸۹). فارابی: فیلسوف غریب. تهران: انتشارات علم.
۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹). فارابی: فیلسوف فرهنگ. تهران: نشر سخن.
۵. محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۳). بررسی صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر حکیم ابونصر فارابی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی.
۶. ملکشاهی، حسن (۱۳۸۹). السیاسة المدنیة. تهران: انتشارات سروش.
۷. _____ (۱۳۸۸). فصول منتزعه. تهران: انتشارات سروش.
۸. ناظرزاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶). اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران: نشر دانشگاه الزهرا.

جدول ۶- آموزش ابتدائی (در مقیاس محله)

عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
مقیاس خانواده	۴-۵ نفر در خانوار.
جمعیت دانش‌آموز ^(۱)	۱۷۵ - ۱۲۵ بچه در سن مدرسه ابتدائی به ازاء ۱۰۰۰ نفر یا ۲۵۰ - ۲۰۰ خانواده.
تعداد دانش‌آموزان سن دبستان به ازاء خانواده	۵۵/۰ - ۳۵/۰ دانش‌آموز.
سن دانش‌آموز	۱۰ - ۶ سال.
اندازه مدرسه ابتدائی	حداقل: ۳۵ دانش‌آموز. متوسط: ۵۵ دانش‌آموز. حداکثر: ۷۵ دانش‌آموز.
تعداد دانش‌آموز هر کلاس	۳۵ - ۳۰ دانش‌آموز.
جمعیت سرویس‌دهنده	حداقل: ۳۵۰۰ نفر. متوسط: ۴۵۰۰ نفر. حداکثر: ۵۵۰۰ نفر.
فضای مورد نیاز دبستان سطح سرانه مطلوب ^(۲)	- حداقل ۹ متر مربع برای هر دانش‌آموز (فضای باز ۵ متر مربع و فضای سرپوشیده ۴ مترمربع). - حداقل مساحت مورد نیاز ۲۵۰۰ مترمربع برای ۲۵۰ نفر به ازاء هر ۱۰۰ شاگرد اضافی ۲۵۰ مترمربع سرپوشیده و ۳۵۰ مترمربع فضای باز.
شعاع دسترسی	حداقل: ۴۰۰ متر (پیاده). حداکثر: ۸۰۰ متر (پیاده).
نوع ارتباطات	- همجواری یا مسیرهای اصلی پیاده. - عدم تداخل با مسیرهای سواره اصلی. - نزدیکی با سواره‌گند محله‌ای.
توقفگاه مورد نیاز ^(۳)	یک توقفگاه به ازاء هر کلاس به اضافه ۳ توقفگاه دیگر.
موقعیت معمول	- نزدیک مرکز محله. - نزدیک یا چسبیده به دیگر خدمات محله‌ای.
فضاهای مورد نیاز دیگر	- فضای بازی بچه‌ها.

ادامه جدول در صفحه بعد.

ادامه جدول ۶- آموزش ابتدایی (در مقیاس محله)

عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
ضوابط طراحی	<ul style="list-style-type: none"> - سطح کل زیربنا در طبقات از ۴۰٪ زمین تجاوز ننماید، حداقل سطح آزاد ۶۰٪ سطح زمین^(۴). - حداکثر طبقات مجاز به استثنای زیرزمین یک طبقه می‌باشد.^(۴) - حداکثر فاصله تا محلات مسکونی ۸۰۰ متر. - حداقل فاصله از کارگاههای مزاحم ۵۰۰ متر. - مدرسه ابتدایی باید قابل دسترسی پیاده باشد. - عدم تداخل با سواره، از خیابانهای اصلی دور باشد.
اولویت سازگاری	<ul style="list-style-type: none"> - همجواری با فضای سبز عمومی. - همجواری با مؤسسات فرهنگی (کتابخانه، کانون پرورش فکری، ...). - همجواری با محلات مسکونی. - همجواری با تجاری (خرید روزانه - هفتگی).

منابع براساس اطلاعات:

1. Urban Planning and Design Criteria.

۲. تحقیق دانشجویان شهرسازی در مورد سرانه فضاهای شهری. گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۲.
۳. طرح احیاء بافت کرمان. جهاد دانشگاهی، دانشکده هنرهای زیبا، سال ۱۳۶۶.
۴. تجدید نظر در طرح جامع یزد، مشاور شهردار. تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، سال ۱۳۶۳.

جدول ۷- آموزش ابتدایی (در مقیاس محله)*

عنوان	مشخصات براساس اطلاعات سازمان نوسازی مدارس
سن دانش آموز	۱۰ - ۶ سال
اندازه مدارس ابتدایی	<ul style="list-style-type: none"> حداقل: ۱۰ کلاس ۳۵۰ دانش آموز متوسط: ۱۵ کلاس ۵۲۵ دانش آموز حداکثر: ۲۰ کلاس ۷۰۰ دانش آموز
تعداد متوسط دانش آموز هر کلاس	۳۵ دانش آموز
فضای مورد نیاز دبستان و سرانه مطلوب	<ul style="list-style-type: none"> - حداکثر تعداد طبقات در مدارس ابتدایی ۲ طبقه می‌باشد. - سرانه زیربنا در مدارس ۱۰ کلاسه ۳/۳۳ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۸۳ به ازاء هر دانش آموز. - سرانه زیربنا در مدارس ۱۵ کلاسه ۳/۱۳ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۶۷ به ازاء هر دانش آموز. - سرانه زیربنا در مدارس ۲۰ کلاسه ۳/۰۵ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۴۷ به ازاء هر دانش آموز. - متوسط سرانه زیربنا در مدارس ابتدایی ۳/۲۵ و سرانه محوطه ۳/۹۱ به ازاء هر دانش آموز. - میانگین سرانه زمین در مدارس یک طبقه ۷/۸۹ به ازاء هر دانش آموز. - میانگین سرانه زمین در مدارس دو طبقه ۵/۵۴ به ازاء هر دانش آموز. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۱۰ کلاسه ۲۰۵ مترمربع. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۱۵ کلاسه ۳۰۰ مترمربع. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۲۰ کلاسه ۳۷۰ مترمربع.

* براساس جداول سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس سال ۱۳۷۶ و کتاب اصول و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی و پرورشی، تألیف: بهرام قاضی‌زاده، انتشارات سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس.

جدول ۸- واحدهای تجاری خرید روزانه - هفتگی (در مقیاس محله)

عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
انواع واحدهای تجاری خرید روزانه - هفتگی	علاوه بر واحدهای تجاری خرید روزانه شامل: - سلمانی، دوزندگی - پنبه‌دوزی، تعمیر و تأسیسات و لوازم منزل - قنادی و خشکبار - کتابفروشی و لوازم التحریر - خشکشویی - گل فروشی، کلیدسازی - الکتریکی و تعمیر لوازم برقی - طبخ‌خانه و کبابی، قهوه‌خانه - فالوده و آبمیوه و بستنی فروشی - ساندویچ فروشی
جمعیت سرویس دهنده	۹۰۰ - ۶۰۰ خانوار ۴۰۰۰ - ۲۵۰۰ نفر
شعاع دسترسی	- در فاصله ۵ دقیقه پیاده از محل واحد مسکونی قرار گیرد.
سرانه و فضای مورد نیاز ^(۱)	- تعداد مطلوب واحدهای تجاری در مراکز محلات به ازای هر ۳۳۵ نفر یک واحد می‌باشد. - حداکثر سطح کل قطعه زمین تفکیکی در هر مرکز محله ۸۵ مترمربع می‌باشد.
نوع ارتباطات	- نزدیک محور پیاده محله‌ای قرار گیرد. - در کنار مسیرهای سواره درون محله‌ای واقع شود.
توقفگاه ^(۱)	- پیش‌بینی یک محل توقف به ازای هر واحد تجاری الزامی است. - پیش‌بینی خلیج در توقفگاه مربوطه جهت بارگیری و باراندازی بمنظور جلوگیری از اختلال در رفت و آمد الزامی است.
موقعیت معمول	- در مرکز محله واقع شود.
ضوابط طراحی ^{(۱)(۲)(۳)}	- حداکثر سطح زیربنا ۱۰۰ درصد قطعه زمین است که حداکثر ۴۵ درصد آن جهت مکان عرضه و فروش کالا باید در نظر گرفته شود و مابقی آن جهت بسته‌بندی، انبار و آماده‌سازی و غیره باید مورد استفاده قرار گیرد. - پیش‌بینی مکانی جهت احداث سرویس‌های بهداشتی در ازای هر ۱۰ تا ۱۲ واحد تجاری ۱ سرویس بهداشتی و ۱ دستشویی الزامی است. - تعداد طبقات مجاز به استثنای زیرزمین حداکثر ۱ طبقه می‌باشد. - حداکثر ارتفاع واحد تجاری معادل ۵/۳۰ متر می‌باشد.
اولویت‌سازی	- نزدیکی به واحدهای مسکونی تحت پوشش. - همجوار با کاربری‌های مرکز محله

منابع:

۱. تجدید نظر در طرح جامع شهر یزد، مشاور شهرد، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، سال ۱۳۶۲.